



دنیانه‌روایت تصویر

در محضر بزرگان

بنده ها را به خدا امیدوار کنیم

حاج محمد اسماعیل دولابی درباره رابطه بنده مقرب و خدا می فرماید:

«شب‌ها خیلی قشنگ و زیبا با خدا سنگ تمام بگذارید و رابطه را با او اصلاح کنید. ان شاء... خبر خوشحالی بیاورید که خدا با شما چه کرد. می‌گویند شخصی می‌رفت بین مردم و الکی می‌گفت نمی‌دانید خدا یا من چه کرده است! خیلی به من خوبی کرده است. کارهایی که در حق من کرده است با هیچ کس نکرده است. خدای مهربان هم دید این بنده چالپوسی می‌کند، به ملائکه گفت چیزی به او بدهید؛ بنده های مرا امیدوار کرده و چقدر مشتری مرا زیاد کرده است. هر کس محبت داشته باشد پیش خدا تملق گویی می‌کند. هر چه تملق بگوید کم گفته است. هر چه بگویم کم است، ولی روح ما چون همه را نیافته است ممکن است تملق باشد. وقتی خداوند لباس هیبت به کسی می‌پوشاند از ناچین می‌شود؛ می‌گوید که خدایا! ما بدیختیم، بیچاره ایم، به داد ما برس!» برگرفته از کتاب «طوبای محبت»

پند نیکان



بریده کتاب

تفاوت انسان و پروانه

کرم ابریشم وقتی در پیله گرفتار ماند و مدتی در دور خود پیچید و تنید از برکت آن تارها ها و پیچش ها پروانه در می‌آید، ولی انسان مادر مرده برعکس وقتی در لجه افکار گرفتار گردید، دیگر روی رستگاری نخواهد دید و مانند محکومی که وزنه آهنین به پایش بسته و در دریا انداخته باشند مدام در گرداب حیرت و سرگردانی فروتر می‌رود!

برگرفته از کتاب «دارالمجانین» اثر محمد علی جمالزاده

حکایت

پندهای چکاوک

مردی چکاوکی را به دام انداخت و خواست او را بخورد. چکاوک که خود را اسیر مرد دید گفت: «ای بزرگوار، تو در زندگی ات این همه مرغ و خروس و گاو و گوسفند خورده‌ای و از خوردن آن زبان بسته‌ها هرگز سیر نشده‌ای، از خوردن من هم سیر نخواهی شد. پس مرا آزاد کن تا به جای آن سه پند به تو بدهم که در زندگی ات به دردت بخورند و با به کار گیری آن‌ها نیکبخت شوی. اولین پند این است که هرگز سخن محال را باور نکن.»

مرد که از شنیدن اولین پند خشنود شده بود چکاوک را رها کرد و چکاوک بر سر دیوار نشست و گفت: «پند دیگر این که هرگز بر گذشته غم نخور و بر آن چه از دست داده‌ای حسرت نخور.» سپس ادامه داد: «اما در بدن من مرواریدی گرد و گران بها وجود داشت به وزن ۳۰۰ گرم که با آزاد کردن من بخت خود و سعادت فرزندانت را بر باد دادی، زیرا مانند آن در عالم وجود ندارد.»

مرد از شنیدن این سخن از حسرت و ناراحتی به خود پیچید و شیون کرد. چکاوک که حال او را دید گفت: «مگر نگفتم بر گذشته غم نخور و حسرت چیزی را که از دست دادی نخور؟ و مگر نگفتم حرف محال را باور نکن؟ من ۱۰۰ گرم هم نیستم، چگونه مرواریدی ۳۰۰ گرمی در بدن من جامی گیرد؟» مرد که به خودش آمده بود خوشحال شد که چکاوک دروغ گفته است و پرسید: «خب پند سومت چیست؟» چکاوک گفت: «با آن دو پند چه کردی که سومی را به تو بدهم؟!» برگرفته از مثنوی معنوی

یادش بخیر

اندک صبر

دل‌تنگی

دل‌تنگ است صدمای خیس و بارانی است نمی‌دانم چرا در قلب من پاییز طولانی است

زهره عبداللهی

سکه خور!



بارش کاغذ از هواپیمای بدون سر نشین



اینستاگردی

به زلزله زدگان فکر می‌کنم...



عکس و متن برگرفته از صفحه اینستاگرام الیاهم نژاد، بازیگر مهمان مون یک راست اومد تو همون اتاقی که من بودم. منم که حوصله سلام دادن نداشتم و خجالت می‌کشیدم، رفتم توی کمد دیواری!

به ساعتی تو کمد نشستم ولی دیدم نه، انگار آقاچه قصد رفتن نداره. گرم شده بود و نفسم داشت بند می‌اومد، برای همین در کمد دیواری رو باز کردم و خیلی طبیعی اومدم بیرون. عادی سلام دادم و از جلوی بابام و دوستش رد شدم و از اتاق اومدم بیرون! بنده خدا دوست بابام دهشت همین جوری باز مونده بود!

عکس و متن برگرفته از صفحه اینستاگرام الیاهم نژاد، بازیگر

سوتی سرا

کمدی با در به دنیای مخفی!

یادش به خیر... یه روز وقتی نوجوان بودم، نشسته بودم تو اتاق که برای بابام مهمان اومد. مهمان مون یک راست اومد تو همون اتاقی که من بودم. منم که حوصله سلام دادن نداشتم و خجالت می‌کشیدم، رفتم توی کمد دیواری!

به ساعتی تو کمد نشستم ولی دیدم نه، انگار آقاچه قصد رفتن نداره. گرم شده بود و نفسم داشت بند می‌اومد، برای همین در کمد دیواری رو باز کردم و خیلی طبیعی اومدم بیرون. عادی سلام دادم و از جلوی بابام و دوستش رد شدم و از اتاق اومدم بیرون! بنده خدا دوست بابام دهشت همین جوری باز مونده بود!



سوتی های بازه روز نو در تلگرام به شماره ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ بفرستید.



خلاصیت برای صرفه جویی در شستن ظروف!

« واقعا اون هایی که شربت و قرص اشتها می خورن رو درک نمی‌کنم. ما تو غذامون یونولیت می ریزیم بلکه معده مون پر بشه و کمتر غذا بخوریم! »
« عشق باید عین چربی شکم باشه، هرکاری کنی ولت نکنه! »
« رفافت آداب داره، یا بلدش باش یا مزاحم اوقات شریف ما نشو! »
« اگه می تونید بخوابید و نمی‌خواهید، ناسپاسی می‌کنید! »
« هر دو مفته یک بار باید آلارم گوشیم رو عوض کنم. بعد از یه مدت مغزم نسبت به آهنگش بی‌تفاوت میشه! »
« هیچانی که برای نشستن روی صندلی های خالی متری هست من رو یاد اون بازی بچی هامون میندازه، صندلی بازی! »
« من نه تنها حوصله عکس گرفتن ندارم دیگه، بلکه از جلوی آینه هم که رد میشم رو مو می‌کنم اون ور تا چشم تو چشم نشیم! »

مسابقه این کیه؟

عمه مهربان تر از مادر!

سلام. برای مسابقه این هفته چهره یک بازیگر خوب کشورمون رو انتخاب کردیم. هنرمندی که سابقه زیادی در تئاتر، سینما و تلویزیون داره ولی مدتی از سینما دور بود و به تازگی اثری از ایشون پخش شد که خیلی طرفدار داشت. اگر سن تون قد بده، چند سال پیش هم یک سریال با بازی ایشون از تلویزیون پخش می‌شد که از بس طرفدار داشت، خود سریال رو به نام شخصیت ایشون می‌شناختیم! شرمنده، دیگه نمی‌شه بیشتر راهنمایی کنیم! پس دست به کار بشین و چهره کاریکاتوری این آدم معروف رو تشخیص بدین.

یادآوری روش مسابقه: شما باید تشخیص بدین کاریکاتور به هم‌ریخته چاپ شده کیه و اسمش رو تا ساعت ۲۳ فردا پنج شنبه برای ما به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ پیامک کنید. جواب رو شنبه همین‌جا می‌بینید. بین کسانی که جواب درست رو بفرستن، قرعه‌کشی می‌کنیم تا یک نفر برنده معلوم بشه و کاریکاتور برنده رو چهارشنبه هفته دیگه با مسابقه بعدی، همین‌جا خواهید دید. عکس کاریکاتوری هم که این‌جا می‌بینید، آقای (محمد برادران) برنده مسابقه هفته پیش هستن که سرانجام بعد از بارها شرکت در مسابقه، این بار برنده شدن! تبریک می‌گویم و منتظر پاسخ های شما هستیم. خوش باشید.



روز جهانی دهمیایی خیس توالث

با گسترش روزافزون روزهای مناسبی در تقویم جهانی، سرانجام روز جهانی دهمیایی خیس توالث هم ثبت شد. رئیس ثبت مناسبیت‌های تقویم جهانی، در حالی که با دهمیایی خیس در نشست خبری حاضر شده بود، گفت: «پیش از این روز جهانی توالث، روز جهانی خیس شدن و روز جهانی دهمیایی ثبت شده بود. لازم دیدیم که این روز هم ثبت شود تا به این معضل بیشتر توجه شود و خشونت علیه آدم‌های حساس متوقف بشه، طبق مقررات در این روز همه دهمیایی توالث را خیس می‌کنند تا به نفر بعدی بفهمانند این کار چقدر می‌تواند خندهش آور باشد. گفتنی است با وجود همه این موارد، هنوز هم به تنها روزی که چندان توجهی نمی‌شود روز جهانی مرد است! الکی

از اون لحاظ

فضای مجازی و ارتباط سازنده با افراد

مشهور خارجی

امروزه فضای مجازی نقش به سزایی در زندگی ما دارد. این ورود ناگزیر، ما را دچار مشکلات عدیده‌ای کرده. مثلا تصور کنید شما برای یک عکس در استوری تان باید بکوبید بروید کافی‌شاپ و طبق معمول پاستا آلفردوی تان را به شیوه‌ای کاملا هنری کنار سایر متعلقات از جمله لیوان، قاشق، چنگال و حتی در مواردی خود شخص صاحب کافه، روی میز بچینید. یکی دیگر از معایب فضای مجازی، این است که ما را در شناخت دنیای واقعی به اشتباه می‌اندازد. به عنوان مثال عکس کارت ملی و عکس پروفایل یک نفر را کنار هم قرار دهید، آن وقت می‌خواهیم ببینیم باز می‌گویید زندگی هنوز قشنگی‌هایش را دارد یا نه.

مسئله دیگری که واقعا مو به تن آدم سیخ می‌کند عضویت در گروه‌های تلگرامی فامیل است. بنده از زمانی که «پاول دوروف» (بنیان‌گذار تلگرام) هنوز از پوشک گرفته نشده بود در این گروه‌ها عضو بوده‌ام و همواره تلاشم برای خروج از آن‌ها نافرجام بوده. یعنی مطمئنا فیلم «پاپیون» را از سرنوشت بنده در این گروه‌ها ساخته‌اند. مشکل دیگری که فضای مجازی دارد این است که تمام فکر و ذکر و اوقات ما را به خود مشغول کرده. مثلا بعد از چند وقت که همه اعضای خانواده دور هم جمع شده‌ایم، هر کسی سرش در گوشی‌اش است و این اصلا خوب نیست. چرا که دیگر هیچ کس بلند نمی‌شود لامپ را خاموش کند.

البته مسلمانان فضای مجازی به شرط استفاده صحیح، محاسن خودش را نیز دارد. مثلا به جای این که سرمان در زندگی هم باشد، با کمترین هزینه سرمان در «پیج» دیگری است؛ یا این که بسیاری از افراد مشهور جهان را از طریق نوشتن کامنت زیر پست‌هایشان با بخشی از زبان و ادبیات فارسی که به پیوندهای خانوادگی می‌پردازد آشنا می‌کنیم. به علاوه این امکان برایمان فراهم شده که نسبت به تمامی مسائل، از گرانی جوهراب در متری تا گرم شدن کره زمین، اظهار نظر موثر و سازنده بکنیم. نمونه‌اش همین مجری مرد مراسم جام جهانی روسیه؛ پیشنهاد داده‌ایم برای این که با فرهنگ و سنت ما تناقضی ایجاد نشود، با پیژامه راه راه و عرق‌گیر آبی جلوی دوربین ظاهر شود. اگر هم با ما موافق نبود خیلی منطقی می‌رویم و همان بخش از زبان و ادبیات مان را که اشاره شد در کامنت‌هایش ابراز می‌کنیم. مگر این که کامنت‌هایش را ببیند، مردم کراتوی لباس اتو کشیده!

محمد امین فرشاد مهر

نیاز طنزی



ماوشما

* تو طنزهای «چی شده» اگه به جای کسانی که دیوار جمله شون رو چاپ کردین، جمله منم چاپ می‌کردین بهتر بود. ما و شما: اگه تو مسابقه بعدی جمله‌های شما بانمک تر باشه، حتما همه شون رو چاپ می‌کنیم. * اگر امثال کلهرها و ناظری‌ها را در زمینه موسیقی و دیگران را در زمینه علم و فرهنگ و ادب و هنر به عنوان سفیران ایران در دنیا معرفی کنیم، نه تنها غرب بلکه کل دنیا در برابر این فرهنگ غنی سر تعظیم فرود می‌آورد. * با تشکر از ستون‌های جدید و بانمکی مثل نیم دقیقه ای و سوتی سرا و عجایب جهان و... لطفا باز هم ادامه بدین. * آیا آقای رضا حسین زاده که پیامک‌های طنز در «مسابقه چی شده» چاپ می‌شود همان اخبار گوی معروف رسانه ملی نیستند؟

ما و شما: فکر نکنیم! ولی ایشون یکی از زکورددارهای پاسخ به مسابقه هستن.

